

شناسایی ابعاد مدل‌های ذهنی تصمیم‌گیران استراتژیک در نهادهای حاکمیتی: مورد مطالعه نمایندگان مجلس شورای اسلامی

محمد حق شناس گرگابی*
علی حیدری**
محمد علی شاه حسینی***

تاریخ ارسال: ۹۶/۱۰/۰۶
تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۶

چکیده

این پژوهش با استفاده از روندهای اساسی رخ داده در مجلس نهم، درصدد کشف ابعاد و مؤلفه‌های مدل‌های ذهنی مؤثر بر تصمیمات و رفتار نمایندگان مجلس است. پژوهش با مشارکت چهل نماینده باسابقه مجلس نهم که در چهل موضوع اساسی قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای قوانین نقش فعالی داشتند با روش نمونه‌گیری قضاوتی انجام شد. جمع‌آوری داده‌ها با انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام گردید و تحلیل تم مصاحبه‌ها در نهایت به کشف چهار بعد اساسی مدل‌های ذهنی برای نمایندگان مجلس شامل؛ باورها و ارزش‌ها، اصول حاکمیتی، تجربه پیشین، وجهان‌بینی فردی منجر شد که هر کدام از آن‌ها دارای زیر مؤلفه‌هایی است که به‌عنوان چارچوب ذهنی بر فرایند تصمیم‌گیری و نوع رفتار یک نماینده مجلس تأثیرگذار است. شرح هر کدام از این ابعاد و تأثیر آنها بر تصمیمات نمایندگان مجلس در متن این مقاله تشریح و تفسیر شده است.

کلمات کلیدی: مدل‌های ذهنی، نمایندگان مجلس، تصمیم‌گیری نمایندگان، تفکر استراتژیک نمایندگان

* دانشجوی دکترای مدیریت دولتی دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی.

mo.haghshenas@ut.ac.ir

aheidary@ut.ac.ir

** نویسنده مسئول: استادیار گروه MBA دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

shahhoseini@ut.ac.ir

*** دانشیار گروه MBA دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

مقدمه

در بسیاری از کشورهای جهان پارلمان‌ها وظیفه اصلی قانون‌گذاری و نظارت بر دولت‌مردان، طراحی برنامه‌های توسعه‌ای و اعمال خواسته‌های مردم را دارند (Hazell, 2001). تمام اعمال پارلمان‌ها توسط نمایندگان مجلسی که منتخب مستقیم و یا غیرمستقیم مردم هستند انجام می‌شود (Coghill et al. 2009). البته این نقش متناسب با اختیاراتی است که قانون اساسی هر کشوری به آن‌ها داده است (Donohue and Holland, 2012). مجلس شورای اسلامی ایران نیز دارای نمایندگانی از حوزه‌های انتخابیه مختلف است (فائز دین‌پرستی، ۱۳۹۵) که هر دوره این نمایندگان بارای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند (هریسی نژاد، ۱۳۸۰). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نمایندگان وظیفه قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای قوانین و نظارت بر قوه مجریه را سپرده است که توسط سایر قوانین نحوه‌ی اعمال این نظارت مشخص می‌شود (فیاضی و حق‌شناس، ۱۳۹۶؛ کعبی و حکیمی، ۱۳۹۳).

با توجه به نقش مهم پارلمان‌ها در بسیاری امور، عضویت در پارلمان یک نقش اساسی و مهم است، زیرا تصمیم‌گیری هرکدام از اعضای پارلمان تأثیر عمیقی بر زندگی مردم دارد (Lewis, 2016). یکی از موارد مهمی که برخی از اندیشمندان و مردم جامعه تمایل دارند تا نسبت به آن آگاهی یابند نحوه تصمیم‌گیری‌ها، نوع تفکر و فعالیت‌هایی است که نمایندگان مجلس انجام می‌دهند (White, 2014). برخلاف تصور بسیاری از محققان که تصمیم‌گیری مدیران را نتیجه ارزش عامل بیرونی می‌دانند (Lawrence & Lorsch, 1967)، عوامل درونی نقش تعیین‌کننده‌ای در این مورد دارند (Miller, 1984؛ Chandler, 1990)؛ به‌طوری‌که برخی افراد صرف‌نظر از میزان و اثر پیامدهای خارجی گزینه‌های تصمیم‌گیری خود را صرفاً بر اساس نوعی تمایلات درونی و سبک تفکر و الهامات درونی که خود از آن بهره می‌برند اتخاذ می‌کنند (Hsee, Yang, Zheng & Wang, 2015)؛ در این زمینه سبک‌های مختلف تفکر رابطه نزدیکی با تصمیم‌گیری‌ها و نوع رفتاری است که از هرکسی سر می‌زند (Ayal, Rusou & Hochman, 2015)؛ شاید مهم‌ترین نوع سبک تفکر مؤثر بر نحوه اعمال افراد نوعی تفکر استراتژیکی است که برخی از افراد از آن برخوردار هستند (Smith, 2014). معمولاً افرادی که نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک دارند دارای نوعی تفکر استراتژیک هستند (Steptoe-

موردتوجه قرار گرفته است که در ادبیات مدیریتی متمرکز بر روند تفکر استراتژیک و تصمیم‌گیری‌های استراتژیک است (Drejer, Olesen & Strandskov, Mintzberg, 1994)؛ در حالی که در ادبیات روان‌شناختی بر عوامل مؤثر بر تفکر و تصمیم‌گیری استراتژیک تمرکز شده است (Pant, & Lachman, 1998; Hambrick, & Mason, 1984)؛ مدل‌های ذهنی همان عامل درونی و ارزشی است (Bagdasarov et al, 2016) که به‌عنوان بخشی از تفکر استراتژیک می‌تواند نقش ویژه‌ای در ادراک از محیط، تشخیص مسائل، تصویرسازی رویدادها (Collins and Gentner, 1987:243)، تصمیمات و نحوه عمل یک فرد داشته باشد (Garnham, 2013). در واقع مدل‌های ذهنی نقش تعیین‌کننده‌ای در تفسیر و تصفیه نوع داده‌هایی دارد که از محیط به فرد منتقل می‌شود (Pocock, 1973)؛ مدل‌های ذهنی حاکم بر تفکر استراتژیک یک مدیر و تصمیم‌گیرنده می‌تواند جهت تصمیمات افراد را به‌نوعی مشخص کند (Hodgkinson, Maule and Bown, 2004). از این رو به‌واسطه شناختن مدل ذهنی هر فردی، می‌توان به‌راحتی نوع تصمیمی که ممکن است آن شخص در مورد موضوع خاصی بگیرد را پیش‌بینی کرد (Stout, Cannon-Bowers, Salas & Milanovich, 1999). آگاهی از مدل‌های ذهنی می‌تواند، ادراک ما را در شناختن نحوه عملکرد افراد آگاه نموده و نتیجه رویدادها را از قبل برای ما مشخص و پیش‌بینی پذیر کند (Pellegrino & Carbo, 2001). در مورد مجلس شورای اسلامی که نوعی نهاد سیاسی و تصمیم‌ساز ملی است آگاهی و شناخت مدل‌های ذهنی نمایندگان مجلس از این رو مهم است که در گام نخست به ما در درک بهتر فعالیت‌های درونی مجلس شورای اسلامی کمک می‌کند. در گام دوم زمینه را برای تغییر مدل‌های ذهنی یا بهبود آن‌ها از راه آموزش نمایندگان مجلس با انجام پژوهش‌های جدید فراهم می‌کند. به‌طور کلی پنجره جدیدی از نحوه شناسایی و یافتن دلایل تصمیمات مدیران و سیاستمداران در سطح ملی و کلان بر روی دانش‌پژوهان رشته‌های مدیریت، علوم سیاسی و روان‌شناسی باز می‌کند. بخصوص که در این زمینه پژوهش محدود و ناچیزی وجود دارد و مسائل مربوط به تصمیمات مجلس و چگونگی در دستور کار قرار گرفتن موضوعات، نحوه تحلیل آن‌ها و نهایتاً فرایند تصویب آن مورد کنکاش کمتری توسط پژوهشگران قرار گرفته و نوعی شکاف پژوهشی در این زمینه نیز مشهود است.

این پژوهش در جهت درک نحوه تصمیم‌گیری نمایندگان مجلس شورای اسلامی با در نظر گرفتن روندها و موضوعات مهمی که در دستور کار مجلس قرار گرفته است؛ درصدد شناسایی مؤلفه‌های مدل‌های ذهنی حاکم بر تفکر استراتژیک نمایندگان مجلس شورای اسلامی است تا بتواند در پایان چارچوبی از انواع مؤلفه‌هایی که نقش مدل‌های ذهنی را در تصمیمات و تفکر نمایندگان دوره نهم مجلس شورای اسلامی را داشته است، شناسایی کرده و پیشنهادهایی از لحاظ توجه به مدل‌های ذهنی و نقش آن‌ها در تصمیم‌گیری مدیران به محققین حوزه مدیریت برای در نظر گرفتن آن‌ها در جهت بهبود فرایندهای تصمیم‌گیری بخصوص در سطح کلان و ملی ارائه نماید.

مبانی نظری

برای اولین بار کریک^۱ (۱۹۴۳) از مفهوم مدل ذهنی در مطالعات روانشناسی استفاده کرد و آن را مدلی از جهان پیرامونی با مقیاسی کوچک‌تر تعریف کرد که افراد در ذهنشان دارند و می‌توانند با استفاده از دانش و تجربه خود، پیامدهای اقدامات خود را بهتر و مطمئن‌تر پیش‌بینی کنند (Menon and Yao, 2017). پس از وی محققان دیگر، مفهوم مدل‌های ذهنی را در مباحث روان‌شناسی با عباراتی و اصطلاحات متفاوت ولی با مفاهیم معنایی نزدیک آوردند که از جمله آن اصلاحات می‌توان به تصویر ذهنی^۲ (Pocock, 1973)، باز نمودهای شناختی^۳ (Downs and Stea, 3791)، نگاشت‌های علی^۴ (Smircich and Bougon, Weick and Binkhorst, 1977)، سیستم‌های ارزش/ نماد^۵ (Ireland, Hitt, Bettis, Porras and Auld, 1987) و مسیره‌های شناختی^۶ (Haley and Stumpf, 1989) اشاره نمود که همگی آن‌ها را می‌توان معادل مفهوم مدل‌های ذهنی در نظر گرفت.

توجه به مدل‌های ذهنی برای پژوهشگران مختلف از این‌رو مهم است که این مدل‌ها، دانش علمی را در مورد نحوه عملکرد سیستم‌ها، مجموعه افراد و پیش‌گویی و پیش‌بینی روندهای احتمالی شبکه‌های انسانی تسهیل می‌کند (Moray, 1997). در واقع شناخت مدل‌های ذهنی، راهنمای پایه‌ای به پژوهشگران ارائه می‌دهند که می‌توان از طریق آن افراد، معنای زندگی و تفکری تصمیمات و کنش‌های فردی که آنان به زندگی خود داده‌اند را شناخت (Tsoukas, 2017; Weick, & Huff, 1990). تئوری مدل‌های ذهنی

می‌تواند پیوند گم‌شده بین پیچیدگی و عدم اطمینان در سیستم‌های تصمیم‌گیری را روشن کند (Sterman, 2001؛ Forrester, 1971).

مدل‌های ذهنی در پروژه‌های پیچیده و نامشخص نقش کلیدی و مهم دارند؛ حتی نتایج تحقیقات تجربی در روانشناسی تصمیم‌گیری، محدودیت‌های قابل‌توجهی در توانایی‌های شناختی انسان نشان می‌دهد (Pfister, Jungermann, & Fischer, 2017)؛ (Gilovich, Griffin, & Kahneman, 2002)؛ این محدودیت‌های ذاتی شناختی انسان، تصمیم‌گیری افراد را در معرض خطر و عدم اطمینان قرار می‌دهد و در اثر تصمیمات و قضاوت در شرایط عدم قطعیت، منجر به تعصبات فراوانی شده که مانع پیش‌بینی نتایج تصمیم می‌شوند (Kahneman, & Tversky, 2013)؛ که به‌موجب تأثیر مدل‌های ذهنی به ایجاد «توهم کنترل»^۸، خودتنظیمی^۹ و تایید-تعصبی^{۱۰} در فرد منجر می‌گردد (Langer, 1975). مدل‌های ذهنی در چنین شرایطی کار فرد را در تصمیم‌گیری ساده کرده و چارچوبی ثابتی ایجاد می‌کند که فرد به‌واسطه آن می‌تواند موضوعات را قضاوت کند (فورد و استرمن، ۱۹۹۸). توهم کنترل و خودتنظیمی باعث می‌شود که افراد در زمینه‌ی کنترل محیط خود به‌وسیله اهداف درونی‌شان هدایت شوند؛ و تلاش کنند تا کنترل خود را در شرایط هرج‌ومرج، عدم اطمینان و استرس به کمک مدل‌های ذهنی از دست ندهند. برای توفیق در این کار، آنان می‌توانند به‌اشتباه تصور کنند که وضعیت را توانسته‌اند کنترل کنند که در واقعیت چنین نبوده است (توهم کنترل و خودتنظیمی) (Fenton-O'Creevy, Nicholson, Soane, & Willman, 2003). یا می‌توانند چنین وانمود کنند که دارای اطلاعات ذهنی هستند که به آنان در درک درستی از جهان در یک‌لحظه مشخص و موضوع مشخص کمک می‌کند (تایید-تعصبی^{۱۱}) (Klayman, & Ha, 1989).

فراتر از چالش‌های شناختی، مدل‌های ذهنی بر چالش‌های اجتماعی/سازمانی نیز مؤثر است؛ زیرا همیشه خود فرد به‌تنهایی تصمیم‌گیرنده نیست. در واقع تصمیمات و اقداماتی که مدیران انجام می‌دهند، حاصل تعاملات بسیاری با سایر افراد مختلف و سهیم در آن موضوع نیز هست. تصمیم‌گیری چه در سطح فردی و چه در سطوح جمعی، با پیچیدگی مواجه است که نیاز به توانایی برای اندازه‌گیری مقدار گسترده‌ای از اطلاعات در دسترس است (Beratan, 2007). این رویه باعث شکل‌گیری مدل‌های ذهنی

مشترک در بین یک جمع می‌شود، در واقع عملکرد مؤثر تیم‌ها نیاز به وجود یک مدل ذهنی است که توسط اعضای تیم به اشتراک گذاشته شده است (لانگان فاکس و همکاران، ۲۰۰۰). یک مدل ذهنی مشترک، مدل ذهنی است که درون یک تیم از اشتراک مدل‌های ذهنی تک‌تک افراد آن مجموعه ساخته شده و توسط اعضای آن به اشتراک گذاشته شده است. این نشان‌دهنده نوعی چارچوب ذهنی است که در بین اعضای گروه به‌طور مشترک شکل گرفته است (Langan-Fox, Wirth, Code, Langfield-Smith, & Wirth, 2001). در واقع یک مدل ذهنی تیمی، نوعی برداشت جمعی است که برآیند تصمیمات اعضای تیم را در یک وضعیت خاص قرار می‌دهد. این درک جمعی که اعضای تیم در مورد یک وضعیت خاص به اشتراک می‌گذارند در برخی ادبیات علمی "مدل وضعیت تیم"^{۱۲} نیز نامیده می‌شود (Cooke, Salas, Cannon-Bowers, & Stout, 2000). اخیراً کار تحقیقاتی در مدل‌های ذهنی مشترک نشان داد که ذهنیت‌های مشترک بالاتر در تیم‌های پروژه، یادگیری و عملکرد تیم را بهبود می‌بخشد (Yang, Kang, & Mason, 2008) و به‌طور خاص بهبود عملکرد در تجزیه و تحلیل مورد نیاز برای عملکرد پروژه‌ای را افزایش می‌دهد (Xiang, Yang, & Zhang, 2016). برای آنکه بتوانیم به مدل ذهنی مشترک برسیم لازم است ابتدا چارچوب مدل ذهنی افراد یک مجموعه را به‌خوبی بشناسیم، در آن صورت اشتراک مؤلفه‌های ذهنی تک‌تک افراد مدل ذهنی مشترک را شکل می‌دهد که با دانستن آن می‌توانیم به‌خوبی از تصمیمات و عملکرد آن تیم رمزگشایی کنیم.

صرف‌نظر از مدل‌های ذهنی مشترک که حاصل مجموع مدل‌های ذهنی تک‌تک افراد است؛ بررسی پژوهشگران مختلف از مدل‌های ذهنی را می‌توان در قالب ۴ رویکرد مختلف نسبت به مدل‌های ذهنی مطابق جدول ۱ در دسته‌های قسمتی از تفکر، مفروضات ذهنی، تجربیات فردی و محسوسات و مکانیسم پردازش اطلاعات شخصی خلاصه کرد.

جدول ۱- ویژگی‌های مدل‌های ذهنی (تدوین از نویسندگان)

ردیف	رویکرد به مدل ذهنی	تعریف موردنظر	منابع
۱	بخشی از تفکر است که:	فرایندهای تفکر فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.	(Jacobs & Heracleous, 2005; Mathieu et 2000; Senge et al. 1994,al)
		توانایی آن در پیش‌بینی وقایع است.	(Jones, N. Ross, Revell & Stanton, 2017 H. Lynam, Perez, & Leitch, 2011)
		به توصیف، توضیح و پیش‌بینی هدف، شکل، عملکرد و وضعیت یک سیستم می‌پردازد.	(Rouse, & Morris, 1986)
۲	فرض‌های ذهنی مخصوص به هر فرد است که:	بر روی نوع تفسیر افراد از جهان و اقدامات متقابل آنان تأثیر می‌گذارد.	(Fitzroy & Hulbert, 2005)
		نقش مهمی در ساخت و تفسیر واقعیت‌ها دارد.	(Ruona, & Lynham, Chermack, 2003 2004)
		میهم و ناشناخته است.	(Fitzroy & Hulbert, 2005)
۳	تجربیات فرد است که:	در طول زمان و از طریق تجربه افراد معمولاً شکل می‌گیرد.	(Fiske & Taylor, 1991; Langfield-Smith, 1989)
		به شکل جهش‌های انتزاعی کنش‌های اجتماعی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.	(Senge, 1990)
۴	محسوسات فرد و مکانیسم پردازش اطلاعات است که:	بر آنچه افراد می‌بینند و واکنش آن‌ها به رویدادها تأثیر می‌گذارد.	(Day & Lord, 1992; Johnson-Laird, 1983; Knight et al. 1999; Markides, 1997; Mathieu et al. 2000; Rouse & Morris, 1986) and are shaped by role requirements, experience, interests and individual Jacobs & Heracleous, 2005; Senge, 1990)
		افراد برای درک و پیش‌بینی رفتار جهان در اطراف خود استفاده می‌کنند. آن‌ها با استفاده از مدل‌های ذهنی خود برای ساده‌سازی مسائل پیچیده استفاده می‌کنند، در نتیجه به کمک آن اطلاعات ورودی خود را پردازش می‌کنند.	(Davison & Blackman, 2005; Fitzroy & Hulbert, 2005; Mathieu et al. 2000; Walsh, 1995)

با بررسی پیشینه تحقیقات، پژوهش‌های تجربی نیز وجود دارد که به مدل‌های ذهنی به‌عنوان مؤلفه تفکر استراتژیک توجه کرده است. در این پژوهش‌ها مدل‌های ذهنی تفکر استراتژیک تحت عنوان مدل‌های ذهنی فردی و مشترک تفکر استراتژیک کارکنان در مورد مسیر بلندمدتی که یک سازمان در پیش دارد تعریف شده است که از آن جمله می‌توان به پژوهش داندان^{۱۳} (۲۰۰۵)، جانسون لایرد^{۱۴} (۱۹۸۳)، نورمن^{۱۵} (۱۹۸۳) و استاف^{۱۶} (۱۹۸۹) اشاره کرد. در این پژوهش‌ها ابعاد مدل‌های ذهنی بر اساس باورها و ارزش‌های اصلی افراد، تجارب مربوطه و قرار گرفتن در معرض حوادث یا مسائل خاص تشریح و تفسیر شده است (دنوز و نورت، ۱۹۹۴؛ فیسک و تیلور، ۱۹۹۱؛ جنتر و استیونس، ۲۰۱۴؛ جاکوبس و هریکولوس، ۲۰۰۵؛ لانگفیلد-اسمیت، ۱۹۸۹؛ متیو و همکاران، ۲۰۰۰). همچنین در رساله دکتری، مالان (۲۰۱۰) این موضوع که مدل‌های ذهنی جزئی از عناصر تفکر استراتژیک است با انجام تحقیق کیفی و تجربی مورد بررسی قرار گرفته و در رابطه با سهم قابل توجه مدل‌های ذهنی در تفکر استراتژیک دیدگاه‌های جدیدی مطرح شده است؛ ولی محقق از بررسی دقیق مؤلفه‌ها و ابعاد این مدل ذهنی نامی نبرده است (مالان، ۲۰۱۰).

با توجه به رویکردهای مزبور در پایان‌بخش مبانی نظری، تعریف جامع و ویژگی‌هایی که می‌توان از مدل ذهنی که مورد تأکید پژوهشگران این پژوهش است، ارائه نمود که به شکل ذیل است:

مدل‌های ذهنی می‌تواند بخشی از تفکر، مفروضات ذهنی، تجربیات فردی و محسوسات و سیستم پردازش اطلاعاتی فرد باشد که به‌طور کلی بر تفکر استراتژیک، تصمیم‌ها و کنش‌ها و فعالیت‌های رفتاری فرد تأثیر می‌گذارد. در چنین شرایطی وقتی فردی در مورد چیزی فکر می‌کند، مدل‌های ذهنی در مورد "آن چیز" (موضوع یا مسئله) به شکل چارچوب‌های خاص فعال می‌شوند. این چارچوب‌های ذهنی که در دامنه خاصی قرار دارند، بر فرآیندهای تفکر فردی در فهم، تفسیر و پیش‌بینی افراد در دامنه‌ای مشخص تأثیر می‌گذارند. مدل‌های ذهنی بر اساس باورها و ارزش‌های اصلی افراد، تجارب مربوطه و قرار گرفتن در معرض حوادث یا مسائل خاص به وجود می‌آیند (Denzau & North, 1994; Fiske & Taylor, 1991; Gentner & Stevens, 1983; Jacobs & Mathieu, et al. 2000; Langfield-Smith, 1989; Heracleous, 2005).

روش تحقیق

پژوهش حاضر، به لحاظ نوع روش تحقیق از نوع میدانی است و با داده‌های کیفی و دست‌اول که از مصاحبه‌های عمیق به‌دست‌آمده سروکار دارد. همان‌طور که مک میلان و شوماخر گفته‌اند، تحقیق کیفی در واقع، سیستم توصیف مقولات و روابط میان آن‌هاست (هنرمند چوکامی، ۱۳۹۴). در پژوهش کیفی هدف درک پدیده‌ها از نقطه‌نظر مشارکت‌کنندگان و در بستر نهادی و اجتماعی خاص آن‌ها است که این هدف هنگام کمی‌سازی یافته‌ها نادیده گرفته می‌شود (دانایی‌فرد و الوانی، ۱۳۹۳). داده‌های موردنیاز این تحقیق از منابع اولیه (مصاحبه با نمایندگان دوره نهم) و ثانویه (مقالات و مستندات) گردآوری شده است و نوع داده‌های آن نیز کیفی می‌باشد. با توجه به داده‌های اولیه موردنیاز روش موردنظر برای گردآوری داده‌ها از نوع پیمایشی و مبتنی بر مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در تحقیق (نمایندگان دوره نهم) است که با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته به دست آمد. در این پژوهش، برای تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، از تکنیک تحلیل تم استفاده شده است. تحلیل تم یکی از روش‌های اساسی تحلیل در پژوهش کیفی است که برای شناسایی، تحلیل و گزارش دادن الگوهای (تم‌ها) موجود در داده‌ها (تعدادی مصاحبه) به کار می‌رود. تم در اصل، مهم‌ترین پاسخ و معنای موجود در داده را در رابطه با سؤال پژوهش نشان می‌دهد (هنرمند چوکامی، ۱۳۹۴).

جامعه آماری (قلمرو مکانی و زمانی) این تحقیق، نمایندگان مجلس دوره نهم هستند که در شکل‌گیری روندهای اساسی این دوره (دوره نهم) نقش مهم و اساسی ایفا کرده بودند. روش نمونه‌گیری (انتخاب مشارکت‌کنندگان) به صورت غیر تصادفی هدفمند یا قضاوتی است. علت انتخاب هدفمند نمونه‌ها این بود که در مطالعه حاضر می‌بایست با افرادی مصاحبه می‌شد که اطلاعات ارزشمندی در اختیار محقق قرار دهند. اطلاعاتی که به واسطه پیاده‌سازی دیگر طرح‌های نمونه‌گیری کسب نمی‌گردید. لذا نمونه‌ها به شکل هدفمند انتخاب گردیده تا به واسطه انتخاب عمدی افراد و مکان‌ها (مکانی که افراد در آن برای پاسخ به سؤالات محقق راحت‌تر باشند)، محقق به درک بهتری از پدیده اصلی نائل گردد (کرسول، ۲۰۰۵ بر گرفته از رضا نژاد، ۱۳۹۳). در انتخاب نمونه باید توجه داشته باشیم که جمع‌آوری اطلاعات تا زمانی ادامه دهیم که به نقطه اشباع ۱۷ برسیم؛ در این پژوهش، با ۴۰ نماینده از بین ۲۹۰ نماینده مجلس بر اساس انتخاب

روندهای اساسی مجلس شورای اسلامی مصاحبه انجام شد. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان به صورت هدفمند (نمایندگان مصاحبه‌شونده)، در ابتدای کار، روندهای اساسی (موضوعات مهم و اساسی) که در مجلس نهم مورد بررسی واقع شده بود و جزء موارد مهم تلقی می‌شد به صورت پرسشنامه‌ای که از دو قسمت قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای قانون برخوردار بود تنظیم شد و در اختیار ۲۰ تن از نمایندگان مجلس قرار گرفت تا موارد را به صورت اولویت‌بندی رتبه‌بندی کنند، پس از دریافت پرسشنامه‌های تکمیل‌شده توسط نمایندگان منتخب و تجمیع امتیاز اولویت‌بندی‌ها، ۲۰ مورد روند قانون‌گذاری و ۲۰ مورد روند نظارت که حائز بیشترین اولویت از دید نمایندگان بود؛ انتخاب گردید که با در نظر گرفتن احتمال عدم مشارکت در مصاحبه (در مواردی که مشارکت‌کنندگان حاضر به مصاحبه نشوند) ۳ مورد احتیاطی نیز در نظر گرفته شد؛ که در نهایت ۲۰ موضوع برای روندهای نظارتی و ۲۰ مورد برای نقش قانون‌گذاری در دستور کار قرار گرفت، لازم به توضیح است که برخی از این روندها به نتایج مورد نظر طراحان آن در مجلس رسیده و بعضی با شکست مواجه شد و به لحاظ تنوع، دامنه‌ای از مخالفان و موافقان موضوعات را در برمی‌گرفت. بنابراین محققین برای اینکه احتمال می‌دادند در برخی موارد هر کدام از مشارکت‌کنندگان ممکن است از انجام مصاحبه استنکاف کنند برای هر روند حداقل سه نماینده را انتخاب کردند که اگر نماینده اول که مؤثرترین فرد به‌عنوان موافق و یا مخالف با محقق همکاری نکرد از نفرات دوم و سوم استفاده کنند.

پایایی و روایی پژوهش

در این پژوهش برای ارزیابی نتایج تحلیل‌هایم از فرآیند دریافت بازخور از پاسخ‌دهندگان استفاده شده است (کینگ و هاروکس، ۲۰۱۰، ص ۱۶۷). برای اطمینان از روایی و پایایی داده‌ها با معیارهای خاص پژوهش کیفی بررسی‌های لازم شامل مقبولیت و قابلیت تأییدی انجام شده است (رضوی زاده و محمدپور، ۱۳۸۹، ص ۲۱). جهت افزایش مقبولیت از روش‌های بازنگری توسط شرکت‌کنندگان استفاده شد. برای رسیدن به آن، محققان علاوه بر بازگرداندن گفتار و پنداشته‌ها در طول انجام مصاحبه و خلاصه کردن گفته‌های مصاحبه‌شونده در پایان تمام مصاحبه‌ها توسط مصاحبه‌گران و تأیید یا

اصلاح آن توسط آنان متن کامل تایپی و دست‌نویس، همراه با کدهای سطح اول به تعدادی از افرادی که از آن‌ها مصاحبه به‌عمل‌آمده بود و امکان دیدار دوم فراهم بود جهت تأیید و یا اصلاح برگردانده شد که همگی مورد تأیید قرار گرفته و نکات پیشنهادی آن‌ها در نظر گرفته شد. برای قابلیت تأیید نیز، در مرحله پایانی طبقات به‌دست‌آمده به ده نفر از مشارکت‌کنندگان اولیه به‌منظور بازبینی و تأیید برگردانده شد و نکات پیشنهادی اعمال گردید. درگیری مداوم یکی از محققین با زمینه و بازنگری ناظرین که بر اساس آن متن کامل مصاحبه‌ها پیاده شده همراه با کدگذاری باز به پنج‌تن از اعضای هیئت علمی ارائه و نظر تأییدی آن‌ها در جهت درستی پیاده کردن و کدگذاری صحیح متون دریافت شد به این روند کمک بسیاری کرد. از طرفی برای سنجش پایایی و روایی کدگذاری نیز از روش ویلیام لاورنس نیومن استفاده شد (فقیهی و آغاز، ۱۳۹۵: ۱۷۱)، به این شکل که برای بالا بردن پایایی و روایی کدهای استخراجی از کدگذاری آشکار بهره گرفته شد و دقیقاً مفاهیم استخراجی به لحاظ لغوی و ساختاری موردتوجه قرار گرفت و برای اینکه پایایی میان کدگذارها نیز وجود داشته باشد کل فرایند توسط یک نفر از محققین ابتدا تا انتها کدگذاری شد و تفاوت تأثیرگذاری یافت نشد.

یافته‌ها:

پس از آنکه مصاحبه‌ها طبق روش نمونه‌گیری و پروتکل مصاحبه نیم ساختاریافته انجام شد هر کدام، با استفاده از روش تحلیل تم براون و کلارک^{۱۸}، کدگذاری شد (براون و کلارک، ۲۰۰۶، ۹۸)؛ و پس از استخراج مفاهیم هر کدام از مفاهیم بر اساس تشابه در قالب مقوله و سپس مقوله‌ها در قالب تم‌های فرعی اصلی قرار داده شد؛ که درنهایت جدول ۲ به‌عنوان جدول تحلیل تم تمام مصاحبه‌ها به دست آمد.

جدول ۲- تحلیل تم مصاحبه‌ها

تم اصلی	تم فرعی	مقوله	مفهوم استخراجی	فراوانی	کد	
ارزش‌ها و باورها	باور	خداباوری	اعتماد به خدا	۱	9A2	
			راه خدا	۱	1A3	
			ارزش‌های الهی	۲	3E13-1 K22	
			حاکمیت خدا	۱	3p1	
			رضای الهی	۱	7 E14	
	باورهای دینی	باور	باورهای دینی	حجت شرعی	۲	3 A 3-3 O17
				فقه اسلامی	۲	11 F11-12 S23
				الزام دینی	۲	12 M16-3 P19
				خواست اسلام	۱	2 K22
				ارتزاق حلال	۱	6I5
				تعالی	۲	1 A2-1 E13
				سعادت‌مندی	۱	19P1
				معنویت	۳	5E12- 13E2-12E5
				باور شیعه	۱	6E12
باور به ولایت‌فقیه				۴	8A2 -2 P19-1 q26-11a5	
باورهای ولایت‌پذیری	باور	باورهای ولایت‌پذیری	مولا و مقتدای دینی	۱	11F7	
			راه امام (تبعیت‌پذیری)	۱	14A2	
			راه شهدا (تبعیت‌پذیری)	۱	15A2	
ارزش‌ها	حقیقت‌طلبی	حقیقت‌طلبی	حقیقت‌طلبی	۱	1A1	
			رعایت عدالت	۱	16M13	
	عدالت محوری	ارزش‌ها	عدالت محوری	عدالت رویه‌ای	۳	16 Q 6-21Y4
				عدالت اجتماعی	۴	2 I5 -5 -21W6 - 1W20 -1p1 a5
				جامعه متعالی	۲	5a4-14N5
	آرمان‌خواهی	ارزش‌ها	آرمان‌خواهی	آینده‌ای روشن	۱	4W20
				آرمان	۲	5r30-7w19
				پیروزی در جهان	۱	3A6
				پیشرفت علمی	۱	28e 7
	پیشرفت	ارزش‌ها	پیشرفت	توسعه کشور	۲	5K22-4B2
				پیشرفت ورزشی	۱	10p1
				رشد اقتصادی	۱	8K22
	خانواده مداری	ارزش‌ها	خانواده مداری	خانواده مداری	۲	2 E12-4 E14
				تقویت بنیه خانواده	۱	4E12
	آیین ملی	ارزش‌ها	آیین ملی	آیین ملی	۱	7 E12
				سنت محلی	۱	3E14
	نظم	ارزش‌ها	نظم	نظم	۱	8E12
				ساختارگرایی	۱	9E12
	احقاق حقوق مردم‌داری	ارزش‌ها	احقاق حقوق مردم‌داری	حقوق مردم	۱	10E12
مردم‌سالاری				۲	7 N14-1 N14	

تم اصلی	تم فرعی	مقوله	مفهوم استخراجی	فراوانی	کد
		سلامت ملت	توجه به مردم	۱	7r31
		شایسته‌سالاری	سلامت	۱	2N14
		مقاومت	شایسته‌سالاری	۱	4W19
		سلطه ناپذیری	مقاومت	۱	5A2
		ایثار	سلطه ناپذیری	۲	6 A2-2A3
		استقلال خواهی	ایثار	۱	7A2
		تمدن سازی	استقلال خواهی	۲	13A2
جهان‌بینی فردی	ایدئولوژی فردی	دیدگاه شخصی	اعتقاد شخصی	۱	K22۴16 A 2- 2p1
		جهان‌بینی شخصی	اعتقاد من	۱	13L12
			اعتقاد قلبی	۱	10 F11
	جهت‌گیری اجتماعی	عاقبت‌اندیشی	جهان‌بینی شخصی	۱	15 N14
			عاقبت‌اندیشی	۳	12 E12-5 A 1-9 q26
		سودبخشی	منافع فردی	۱	2 r29
			منفعت ملی	۲	7 D10- 9 H6
			مصلحت کلی	۱	6 D10
		مصلحت‌اندیشی	مصلحت جامعه	۱	11 E12
			مصلحت ملی	۳	3A4 - -1 e28 -1r30
اصول حاکمیتی	قانون‌مداری	قانون اساسی	۲	2 q26-3 L12	
		قوانین بالادستی	۳	5 W20- 6 p1 -14 M16	
		قوانین	۴	12 H6-6 N14-1 W21 - 4 r29	
	چشم‌انداز ملی	چشم‌انداز ۲۰ ساله	۲	4I35-2H5	
		چشم‌انداز ملی	۲	- 6 t32- 4g36	
	برنامه محوری	برنامه توسعه	۱	6 e28	
	تجربه پیشین		یادگیری گذشته	۴	1 B 6-11I34-1 H5-1Q16
تجربه پیشین			۴	9 F11-1H6-1 r31-10C9	
عبرت از گذشته			۳	7A3-2A1-5e28	

مأخذ: (محقق ساخته)

نتایج تحلیل تم مصاحبه‌ها مطابق شکل ۱ در انتهای بخش یافته‌ها نشان می‌دهد که مدل‌های ذهنی نمایندگان مجلس مورد مطالعه در این تحقیق از ۴ بعد اصلی (تم) شامل ۱- باورها و ارزش‌ها، ۲- جهان‌بینی فردی، ۳- اصول و ۴- تجربه پیشین تشکیل شده است که هر کدام از این ابعاد اصلی خود دارای تم‌های فرعی و مقوله‌هایی هستند که در مجموع چارچوب ذهنی نمایندگان مورد مطالعه این پژوهش را مرتبط با روندهای اساسی مورد بررسی در مجلس نهم تشکیل می‌دهند. در ادامه به تشریح و تفسیر هر کدام از این تم‌ها و زیر مؤلفه‌های پرداخته شده است.

باورها و ارزش‌ها:

در این پژوهش نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد که اکثر مشارکت‌کنندگان دارای مجموعه‌ای از مفروضات و باورها و ارزش‌هایی هستند که ذیل مدل‌های ذهنی آنان قرار دارد و بر طریقه فکر کردن آن‌ها سایه افکننده است؛ مطابق شکل ۳ این باورها و ارزش‌ها، هر کدام تفاوت‌هایی داشته و در دودسته مجزای باور و ارزش‌های فردی جای می‌گیرند، باورها به مجموعه‌ای از مفروضات ذهنی به‌دست‌آمده اشاره داشت که فرد مذکور، هر آنچه مقابل آن مفروضات قرار می‌گرفت را رد کرده و هر آنچه در راستای آن قرار گرفته بود را مورد توجه قرار داده بود؛ ولی در مورد ارزش‌ها وضعیت کمی متفاوت بود و فرد آن ارزش را نه در حد مطلق ولی قابل احترام دانسته و برای آن اولویت و وزن بیشتری قائل بود، اما در صورت قرار گرفتن موضوعی در مقابل آن ارزش، فرد آن موضوع را مطلقاً رد نکرده بود، بلکه سایر موارد را بررسی کرده و در صورت وزن بیشتر آن‌ها، از آن ارزش چشم‌پوشی کرده یا نهایتاً خود را توجیه کرده بود، در ادامه به یافته‌های مربوط به این دودسته در این پژوهش پرداخته می‌شود.

باورها

همان‌گونه که در بخش قبلی بیان شد، بعضی از مفروضات ذهنی مدل‌های ذهنی وجود دارند که نتیجه ادراک افراد نبوده بلکه به پذیرش‌های مطلق ذهنی آنان برمی‌گردد. در این پژوهش باورهای ذهنی به آن دسته از مؤلفه‌هایی اشاره دارد که به‌طور مطلق بر نحوه تفکر و اندیشه برخی از مشارکت‌کنندگان تأثیرگذار بود، به‌نحوی که آنان با در نظر گرفتن این مؤلفه‌ها به همه آن چیزی که در راستای آن، با تفسیر ذهنی خودشان قرار گرفته بود نگاه مثبت داشته و آن موضوع را مورد تأیید قرار می‌دادند و هر آنچه از تفسیر شخصی آنان در مقابل این مفروضات ذهنی قرار گرفته بود را به‌طور مطلق رد کرده و غیرقابل پذیرش تلقی کرده بودند. به‌طور نمونه در مورد چند موضوع اساسی مصاحبه‌شوندگانی چنین بیان کردند:

(«...اگر به خدا اعتماد داشته باشیم و او را قدرت مطلق بدانیم از هیچ‌کس و هیچ چیز ترسی نداشته و مسیر پیشرفت را بدون هراس از کسی

می‌پیماییم و هر آنچه قدرت خدا را نفی کند مردود است ...: 9A2» «...فعالیت نظام بانکی مبتنی بر ارزش‌های الهی و دینی باید باشد و نه صرفاً مطالبی که هیچ‌وجه الهی ندارد و دین در آن هیچ ملاکی نیست، پس با هر طرحی که ماهیت ضد الهی داشته باشد هرچند بر آن هزاران جنبه مثبت بشمارند مخالفم...: 1K22» «... توجه به ایشارگران از خواسته‌های رهبری و ولی فقیه است که از این عزیزان ایشارگر در کشور باید حمایت شود و آن‌ها باید بر اساس نظر ولی مورد حمایت قرار گیرند و اراده ولی ملاک ماست ...: 2P19»

همان‌گونه که در این نمونه‌ها قابل‌رؤیت است هرکدام از مصاحبه‌شوندگان موضوع مختلفی را در ذهن خود پذیرفته‌اند که هرگونه نگاه و رویکرد دیگری که با آن زاویه داشته باشد را رد کرده‌اند، به مجموعه‌ای از این مفروضات می‌توان نام باور را نهاد، باورها در بین مشارکت‌کنندگان مختلف متفاوت و دارای ضعف و شدت متفاوتی بود، اما باین‌وجود نقش آن در جهت‌دهی به اندیشه آنان غیرقابل‌انکار بود. باورها جزء مؤلفه‌های اساسی مدل‌های ذهنی می‌توانند باشند زیرا نقش گلوگاه و فیلتر را ایفا کرده و در ذهن فرد موارد غیرهمسو و سایر برداشت‌های ذهنی را تصفیه می‌کنند، در این پژوهش مطابق جدول ۲، دسته‌های مفهومی مرتبط با باور شامل ۱- خدا باوری، ۲- باورهای دینی و ۳- باورهای ولایت‌پذیری شناسایی شد. مشارکت‌کنندگانی که به هرکدام از این ۳ دسته مفهومی اشاره داشتند با ادبیات متنوعی آن‌ها را بیان می‌کردند که می‌توان عصاره هرکدام را یکی از این دسته مفاهیم در نظر گرفت. هرکدام از این باورها ارتباط نزدیکی باهم داشته و در ارتباط با اعتقادات دینی و مذهبی افراد قرار دارند.

ارزش‌ها

ارزش‌ها نیز همانند باور جزء آن دسته از مؤلفه‌های اساسی مرتبط با مدل‌های ذهنی نمایندگان مجلس هستند که وزن و اولویت آن‌ها بر بعضی از موضوعات تأثیر بسزایی داشته و تعیین‌کننده نظر مثبت و منفی نمایندگان نسبت به آن موضوع است. هرکدام از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به نحوی به برخی از این ارزش‌ها که در ذهن آنان قرار گرفته بود اشاره داشتند که در جدول ۲ دسته‌های مفهومی آن نشان داده شده است،

مقصود از ارزش‌ها، انواع گوناگون واقعیات و اموری هستند که در ذهن نمایندگان مورداحترام واقع شده و به‌عنوان مؤلفه اساسی تفکر در تصمیمات مهم آنان نقش ایفا می‌کند و آن‌ها مترصد این هستند که با ایجاد این مؤلفه‌ها در جامعه، مقصود و معنای زندگی را برای اعضای جامعه متناسب با آن ارزش تدارک ببینند. به‌طور نمونه برخی از مشارکت‌کنندگان در مفاهیم مرتبط با تم فرعی ارزش‌ها بیان کردند که:

«...اگر قرار باشد مردم نمایندگان را در سطح استانی انتخاب کنند، دیگر گروه‌ها، جریانات سیاسی و نخبگان حساسیتی نسبت به موضوع نخواهند داشت و عدالت در مورد حق انتخاب شدن از بین می‌رود...»
 «1W20» مردم جامعه مهم‌ترین تکیه‌گاه و ارزش یک کشور هستند که باید موردتوجه قرار گیرند و این سرمایه ارزشمند نباید نادیده گرفته شود و توجه به این ارزش باید در تصمیمات ما لحاظ شود...» (7N14)

همان‌گونه که در این نمونه‌ها مشاهده می‌شود این ارزش‌ها با فرهنگ حاکم بر جامعه، نظام سیاسی فعلی ایران، نوع مذهب و آیین ملی ایران ارتباط نزدیکی خاصی دارند و به نحوی وابسته به آن‌ها هستند. بسیاری از این ارزش‌ها نسبی هستند و در بین نمایندگان مجلس مورد مطالعه، به شکل متفاوتی وجود داشت و در موضوعات مختلف، نمایندگان این مؤلفه‌ها را به اشکال متفاوتی در تصمیمات خود لحاظ کرده بودند. به‌طور کلی ماهیت ارزش‌ها تابع عوامل فرهنگی و تاریخی است و قابل اقتباس و تقلید از سایر افراد و نمایندگان دیگر نبود. برای نمونه نمی‌توانیم به نماینده‌ای تحمیل کنیم نگاه عدالت محوری و سلطه ناپذیری از بیگانه را به تقلید از نماینده دیگری کاهش دهد یا آن را از ذهن و اندیشه خود بزدايد، یا برعکس بکوشد که توسعه ارزش‌ها با مفهومی که در فرهنگ خودی وجود ندارند را در خود ایجاد کند.

در این پژوهش محققین متوجه شدند که ارزش‌های فردی نمایندگان مجلس حالتی مبهم و چندپهلوی داشتند، چراکه واژه‌های مرتبط با آن‌ها در مصاحبه‌ها بسیار مبهم بود و تفاسیر مختلفی از آن وجود داشت و از طرفی ارزش‌ها برای همه مشارکت‌کنندگان در مورد یک موضوع خاص حالت متحدالشکل نداشت و از زمانی تا زمان دیگر و از موضوعی تا موضوع دیگر متفاوت به نظر می‌رسید و کسانی که از زیر مؤلفه‌های

ارزش‌های مشابهی برخوردار بودند، میان یکدیگر گونه‌ای از انسجام و پیوند به وجود آورده بودند که احساس یگانگی کرده و در مورد و موضوع خاص نظر یکسان مشابه، مخالف یا موافق داشتند؛ و در برخی نمایندگانی که ارزش‌های مشترک وجود داشت، پیوستگی اجتماعی بیشتری بین آنان شکل گرفته بود و در بین آنان کارکرد مدل‌های ذهنی مشترک حالت روان‌تری پیدا کرده بود و برنامه‌های در دستور کار در چنین مجموعه‌ای سریع‌تر تعیین تکلیف شده بودند.

برای برخی از نمایندگان میان ارزش‌های واقعیت‌گرایی و آرمان‌گرایی در مدل ذهنی آن‌ها اختلاف وجود داشت، به طوری که واقعیت‌گرایی آن‌ها از بطن قابلیت ادراکی آنان به وجود آمده بود که به نظر می‌رسید از فرهنگ موجود در جامعه تأثیر گرفته است و آرمان‌گرایی آن‌ها ایده‌ال‌هایی را تشکیل می‌داد که به نظر می‌رسید از باورهای آنان شکل گرفته است.

جهان‌بینی فردی

نتایج حاصل از تحلیل تم‌مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که مواردی وجود دارد که مرتبط با نوع نگاه نمایندگان به جهان هستی است که بر روی اندیشه و نوع تصمیمات آنان تأثیر می‌گذارد که این نگاه و جهان‌بینی دوتم فرعی ایدئولوژی فردی و جهت‌گیری اجتماعی را شکل داده است، هر کدام از این دویخشی از مدل‌های ذهنی برخی از نمایندگان مورد مطالعه این تحقیق را تشکیل می‌دادند که مستقیماً بر نحوه تفکر و تصمیم‌گیری و اعمال آنان در موارد مورد مطالعه تأثیر گذاشته بود.

ایدئولوژی فردی به دست آمده از مدل ذهنی حاکم بر تصمیمات و اندیشه‌های یک نماینده مجلس شامل دو مؤلفه ۱) اعتقاد شخصی و ۲) جهان‌بینی شخصی است. در اعتقاد شخصی برخی از نمایندگان مورد مطالعه به نوع نگاه هنجاری خود به هستی و الزاماتی که یک جامعه و جهان خوب باید داشته باشد توجه داشته و علل رفتار و نوع تصمیم خود را در نوع برداشت از اطلاعات ورودی که در اختیار آنان قرار گرفته بود مرتبط با اعتقاد و نظری که در اندیشه آن‌ها شکل گرفته بود می‌دانستند در این ارتباط به‌طور نمونه برخی از نمایندگان موارد ذیل بیان داشتند:

(«بنده بسیار دیده‌ام خانواده‌هایی که می‌توانند بچه داشته باشند به خاطر

اولویت جامعه و قوانین غیر مشوق آن را به تأخیر انداختند...:15N14» «...»
دیدگاه‌های قلبی ما بستر تصمیم‌گیری در حوزه قوانین جزایی است...
«10F11»

همان‌طور که از این نمونه‌ها قابل برداشت است، اعتقادات شخصی، دیدگاه فردی بیش از هر داده جدید و به‌روزی بر نوع تصمیم و تفکر نماینده مجلس حاکم بوده است. در جهت‌گیری اجتماعی، نوع رفتار یک نماینده در چارچوبی بالاتر و با در نظر گرفتن موارد مهم‌تری شامل سه زیر مؤلفه اساسی (عاقبت‌اندیشی، ۲) سودبخشی، ۳) مصلحت‌اندیشی به‌عنوان سطوحی سلسله‌مراتبی قرار گرفته بود. در واقع برخی نمایندگان به‌طور ضمنی نوع برخورد فکری و اندیشه‌ای خود در مواجهه با موضوعات مورد مطالعه را مرتبط با نوعی سرانجام‌شناسی یا حدسی که برای پیامد نهایی جهان هستی یا آن موضوع قرار داده بودند لحاظ می‌کردند، در برخی مواقع تصمیمات و رفتار شکل گرفته به‌صراحت به میزان سودبخشی مرتبط با موضوع در دستور کار و برداشتی که شخص نماینده از میزان سود بخشی آن پدیده در نظر گرفته بود مرتبط می‌شد و در نهایت در برخی مواقع فرد نماینده نه تنها بر اساس اطلاعات وارده و درستی و یا غلطی یا خوب یا بد بودن موضوع تصمیم نگرفته بود بلکه فقط بر اساس مصلحتی که ساخته ذهن خود او بود و مربوط به نوع جهان‌بینی شخص خودش بود تصمیم گرفته بود، در ذیل به‌طور نمونه گفته‌های برخی از نمایندگان در ارتباط با موضوعات هرکدام از این ۳ دسته تم فرعی که نشان از تأثیر مؤلفه جهت‌گیری اجتماعی فرد بر تصمیمات خود است قابل مشاهده است:

«اگر به عاقبت و سرانجام کشور و خودمان فکر کنیم می‌فهمیم که سکوت در برابر فساد در این حوزه بسیار عذاب‌برانگیز دارد...»
9q26 «ماندن فرجی دانا در کسوت وزیر علوم به مصلحت سیستم آموزشی کشور بود...:1e28» «حفظ منافع ملی نگهبان می‌خواهد نمایندگان ملت باید نگهبان حفظ منافع ملی باشند...:7 D10».

اصول حاکمیتی

نتایج تحلیل تم مصاحبه نشان می‌دهد که بخشی از مدل‌های ذهنی برخی از نمایندگان مورد مطالعه مطابق شکل ۷ شامل مجموعه یا دسته‌ای از مفاهیمی بود که آن‌ها، آن را به‌عنوان اصل‌های زندگی کاری خود در نظر گرفته بودند، این اصل‌ها به‌عنوان شاخصی ذهنی نقش تعیین‌کننده‌ای در وزن دهی آن‌ها به گزینه‌های متعدد، تأیید و رد آن‌ها داشت و برخی از اشخاص نماینده هر آنچه با اصولی که مرتبط با مسائل حاکمیتی لازم‌الاجرا می‌پنداشتند هم‌جهت بود از شانس بیشتری برای رأی آوردن برخوردار بود و چنانچه آن موضوع با اصول مورد نظر در تضاد بود صرف‌نظر از سایر ویژگی‌های دیگر مثبت آن‌ها به‌طور کامل رد شده یا در ارزیابی شخصی نماینده از امتیاز خیلی پایینی برخوردار می‌شد. در این مطالعه نمایندگان به چشم‌انداز ملی، قانون اساسی، برنامه‌های توسعه و ... به‌عنوان اصول حاکمیتی توجه داشتند. به‌طور نمونه برخی از جملات کلیدی مصاحبه‌شوندگان که دربرگیرنده مفاهیم مرتبط با اصول است، به شرح ذیل است:

(«اسناد بالادستی و نقشه جامع علمی کشور زمینه‌ساز بررسی دقیق موضوع است...: 14 M16 «در چشم‌انداز ملی ایران برای پیشرفت صنعت خودرو دستیابی به جای گاه نخست صنعت خودروی منطقه، رتبه پنجم آسیا و رتبه یازدهم در جهان. در نظر گرفته شده است...: 6t32 «طبق خواست قانون اساسی کشور دست ما و مجلس برای نظارت و بازخواست از همه دستگاه‌ها باز است و تأمین اجتماعی نیز...: 2q26 «)

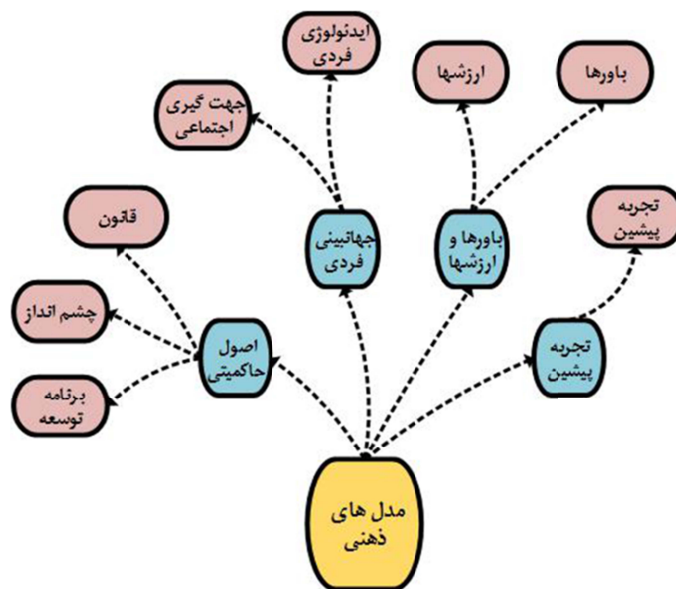
تجربه پیشین

نتایج تحلیل تم مصاحبه‌ها نشان داد که برخی از نمایندگان مجلس مورد مطالعه دارای بعد دیگری از مدل‌های ذهنی هستند که مرتبط با نوع تجربه و اتفاقات گذشته‌ای است که آنان تجربه کرده‌اند و ناخواسته تصویری در ذهن آنان شکل گرفته است که نوع رفتار و تصمیم‌گیری‌های آنان را جهت‌دهی می‌کند، به‌طور نمونه نماینده‌ای نوعی برخوردی که سازمانی اداری در زمان‌های دور با او داشته است را به‌عنوان تجربه‌ای در ذهن خود نگاه داشته و نوع برخورد نظارتی خود را در شرایط فعلی و نقش نمایندگی متناسب با

آن تنظیم می‌کند، یا شخص دیگری با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از گذشته در برنامه‌ای، بابت توجهی به داده‌های جدید به‌دست‌آمده، تصمیم و برخورد خود را متناسب با همان تجربه پیشین مورد ارزیابی قرار می‌دهد؛ جدول ۲، تم فرعی تجربه‌های پیشین را نشان می‌دهد، مرتبط با این تم‌ها به‌طور نمونه برخی از مصاحبه‌شوندگان موارد ذیل را مطرح کرده‌اند که در قالب تم تجربه پیشین قرار گرفته است. موارد زیر به‌طور نمونه جملات کلیدی مرتبط است:

«...از نوع صرفاً برخوردهای سلبی که در گذشته دولت‌ها با قاچاق داشتند و بی‌نتیجه بودن آن باید درس بگیریم که طرح‌های جدید هم راه به‌جایی نمی‌برد و سرنوشتشان همان می‌شود،...» 134 11 «...بی‌تفاوتی رئیس‌جمهور وقت در قبال مجلس برای ما تجربه‌شده بود و اگر اقدام پیش‌دستانه نمی‌کردیم باز مثل قبل تکرار می‌شد و فقط به خاطر این تجربه بود که استیضاح را کلید زدیم و الا موضوع آن قدر حاد نبود... 1 r31: «... از نحوه پذیرش در این چند سال یاد گرفته‌ایم که عملاً سلاقی افراد در پذیرش دانشجو دخیل هستند و این یعنی نباید با طرح هرگونه موضوعی که انتخاب دانشجو را نیمه‌متمرکز می‌کند موافقت کرد...» (1Q16)

نتایج حاصل از یافته‌های این پژوهش در قالب شکل ۱ برای مؤلفه‌های مدل‌های ذهنی نمایندگان مجلس نهم مورد مطالعه در این پژوهش قابل جمع بندی و استنتاج است.



شکل ۱ مدل ذهنی نمایندگان مجلس مورد مطالعه

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش که با استفاده از روش کیفی و انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شده است، نتایج تحلیل تم مصاحبه‌ها مطابق شکل ۱ به کشف مدل‌های ذهنی با ۴ بعد اساسی ۱- باورها و ارزشها، ۲- جهان‌بینی فردی، ۳- اصول و ۴- تجربه پیشین که بر تصمیم‌گیری نمایندگان مجلس مؤثر بودند، منجر شد. مدل‌های ذهنی به دست آمده، برای نمایندگان مجلس مورد مطالعه، شامل چارچوب‌های ذهنی هستند که شخص در حیطه خاص آن موضوع می‌اندیشد، هنگامی که یک نماینده مجلس در مورد چیزی فکر می‌کند، مدل‌های ذهنی در مورد آن موضوع در ذهن نماینده فعال می‌شود که بر نوع تصمیم و نحوه تصمیم‌گیری او تأثیر خواهد گذاشت، با بررسی مصاحبه‌ها و نتایج حاصل از این پژوهش مشخص شد که این چارچوب‌ها بر فرآیندهای تفکر فردی، نوع فهم، تفسیر و پیش‌بینی موضوعات مختلفی که یک نماینده با آن‌ها در ارتباط است و لازم است در مورد آن تصمیم گرفته یا فعالیت رفتاری در جهت آن انجام گیرد، تأثیر فراوانی دارد که به مجموعه این چارچوب‌های ذهنی، مدل ذهنی اطلاق شد.

با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش بر روی نمایندگان مجلس مورد مطالعه، به

نظر می‌رسد در کنار رویکردهای فکری که به کمک دریافت اطلاعات جدید و اندیشیدن بر آن‌ها توسط نمایندگان مجلس انجام می‌شود و استفاده‌ای که شخص از رویکردهای تصمیم‌گیری منطقی و ... می‌گیرد؛ بخش مهمی از فرایندهای تفکر فردی و جهت‌گیری تصمیمات انجام‌شده، فرد تحت تأثیر مدل‌های ذهنی آنان قرار می‌گیرد، به نظر می‌رسد که طبق یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها، این مدل‌های ذهنی حاصل تجربه و محیط زندگی، فرهنگ، دین و موقعیت فردی آن نمایندگان باشد، به‌گونه‌ای که برای یک نماینده با کسوت روحانیت با یک نماینده که شغل معلمی در گذشته داشته است نوع مدل ذهنی و مفروضات فردی متفاوتی به دست آمد که تصمیمات فرد را دست‌خوش تغییر ساخته بود، بسیاری از مشارکت‌کنندگان این پژوهش با استفاده از مجموعه‌ای از مفروضات و تعمیم‌هایی که به آن مدل‌های ذهنی اطلاق می‌شود جهان را تفسیر کرده و در تصمیمات و واکنش‌های خود بر اساس آن‌ها عمل می‌کردند، آن‌ها از مدل‌های ذهنی برای درک و پیش‌بینی رفتار جهان در اطراف خود استفاده کرده و برای ساده‌سازی مسائل پیچیده‌ای که جلوی آن‌ها قرار می‌گیرد از این الگوها کمک می‌گرفتند، در نتیجه مدل‌های ذهنی به آن‌ها کمک کرده بود تا اولاً نوع منبع دریافتی اطلاعاتشان را همسو با آن انتخاب کنند و دوماً اطلاعات ورودی که در اختیار آنان قرار گرفته بود را پردازش کرده و در چارچوب مفاهیم مدل ذهنی خود آن‌ها را تفسیر نمایند. این مدل‌های ذهنی به‌دست‌آمده اگرچه شخصی به نظر می‌رسد اما محققین دریافتند که این چارچوب‌های ذهنی در تعامل با سایر نمایندگان مجلس دچار تغییر شده و از سایرین نیز تأثیر می‌پذیرفت.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که باورها و ارزش‌ها، بخشی از مؤلفه‌های مدل‌های ذهنی را شامل می‌شود که مرتبط به نوع اعتقادات عمیق افراد بود که بیشتر ناظر بر مباحث اعتقادی و دینی نمایندگان مجلس می‌شد و وجود آن، نوع تصمیمات آنان را به‌طور اساسی دست‌خوش تغییرات می‌کرد و جهت تصمیمات نمایندگان مجلس را به سمتی که باور و ارزش موردنظر فرد در آن قرار گرفته بود هدایت کرده بود. از طرفی جهان‌بینی فردی نیز که مشتمل بر هنجارهای خاصی بود که اگرچه منطبق دینی نداشت ولی فرد برای جهان هستی و سعادت بشری رعایت آن‌ها را ضروری می‌دانست. به کمک ایدئولوژی و جهت‌گیری‌های اجتماعی که حاصل نوع نظر و دیدگاه فرد بود، بر

نحوه تصمیمات و جهت‌گیری نمایندگان تأثیر بسزایی داشت. اصول حاکمیتی نیز، بخش دیگری از مدل‌های ذهنی نمایندگان مجلس را تشکیل می‌داد که شامل اصولی بود که برخی از نمایندگان آن را مبنای تصمیمات خود قرار می‌دادند که شامل قوانین، چشم‌انداز کشور و برنامه‌های توسعه بود؛ و در نهایت تجربه پیشین نیز، تشکیل‌دهنده بخشی از مدل ذهنی یک نماینده بود که فرد نماینده بر اساس تجربه‌های گذشته خود و یا تجربه‌هایی که دیده بود صرف‌نظر از اطلاعات جدید، با ملاک قرار دادن آن تجربیات تصمیم می‌گرفت.

برای هر کدام از تم‌های اصلی و فرعی یافته‌های پژوهش حاضر تفاوت‌هایی مبنایی وجود دارد؛ به‌طور مثال باورها ناظر بر رویکردهای ذهنی مطلق، نسبت به مواردی است که برای فرد نقش خط قرمز را بازی می‌کند و او حاضر به عدول از آن، حتی با ضرر و زیان نیست؛ اما ارزش‌ها اگرچه مهم هستند ولی به‌اندازه باورها، مطلق انگاشته نمی‌شوند و در شرایط انتخابی، گزینه‌ای که از ارزش بیشتری برخوردار است، وزن بیشتری جهت انتخاب شدن دارد و انتخاب خواهد شد ولی چنانچه گزینه‌های معادل این گزینه وزن بیشتری به لحاظ اهمیت و ضرورت یا هزینه داشته باشند، ممکن است این گزینه‌ای که بار ارزشی دارد کنار گذاشته و نادیده گرفته شود؛ باورها و ارزش‌ها هر دو منشأ دینی دارند اگرچه باورها انطباق کامل‌تر و مطلق‌تری با مفاهیم دینی نسبت به ارزش‌ها دارند؛ این پژوهش تم جهان‌بینی فردی ناظر بر نگاه‌ها و دیدگاه‌های افراد به هستی بود که منشأ دینی نداشت و حاصل یافته‌های خود افراد یا نظراتی بود که از مکاتب اجتماعی یا علوم مختلف کسب کرده بودند و آن‌ها را فرض اطمینان‌بخش برای سعادت بشری پذیرفته بودند که در این میان ایدئولوژی ناظر به مفاهیم تجویزی فرد برای بهتر شدن جامعه و جهان به لحاظ جهان‌بینی فردی آنان بود؛ اصول حاکمیتی نیز متأثر از ساختار حکومت در ایران و بایدها و نبایدهای ساخته‌شده ذهنی برای حفظ و صیانت از ساختار نظام حاکم بر کشور بود که در حیطه قوانین بالادستی و اساسی کشور قرار می‌گرفت و رویکرد و منشأ دینی برعکس باورها و ارزش‌ها نداشت.

در این راستا پژوهش‌های مشابهی وجود دارد که به مدل‌های ذهنی به‌عنوان بخشی از تفکر استراتژیک و بخشی مؤثر بر تصمیمات افراد، همانند پژوهش حاضر توجه کرده است، در این پژوهش‌ها مدل‌های ذهنی عبارت‌اند از: «مدل‌های ذهنی فردی و مشترک تفکر

استراتژیک کارکنان در مورد مسیر بلندمدتی که یک سازمان در پیش رو دارد»؛ از جمله این موارد می‌توان به پژوهش داندان^{۱۹} (۲۰۰۵)، جانسون لایرد^{۲۰} (۱۹۸۳)، نورمن^{۲۱} (۱۹۸۳) و استاف^{۲۲} (۱۹۸۹) اشاره کرد. از منظر ادبیات علمی نیز هنگامی که یک فرد در مورد چیزی فکر می‌کند، مدل‌های ذهنی در مورد آن چیز (موضوع یا مسئله) فعال می‌شوند. مدل‌های ذهنی چارچوب‌های ذهنی هستند که مردم در مورد دامنه خاصی از موضوعات می‌اندیشند، این چارچوب‌ها بر فرایندهای تفکر فردی در فهم، تفسیر و پیش‌بینی مسائل مختلف نفوذ دارد. مدل‌های ذهنی بر اساس باورها و ارزش‌های اصلی افراد، تجارب مربوطه و قرار گرفتن در معرض حوادث یا مسائل خاص به وجود می‌آیند. این پژوهش با اتکا به نتایج حاصل از تحلیل تم مصاحبه‌های نیم ساختاریافته مرتبط با روندهای توانست در نهایت مدل ذهنی نمایندگان مجلس مورد مطالعه را بر اساس شکل ۱ کشف نماید که لازم است در تحقیقات بعدی میزان تأثیر این مدل‌های ذهنی بر روی تصمیمات نمایندگان مجلس به صورت تجربی بررسی شود.

به نظر می‌رسد دانستن مدل‌های ذهنی حاکم بر رفتار و کنش‌های نمایندگان مجلس بتواند در آشنایی ما با دلایل کنش‌هایی که در مجلس‌های قانون‌گذاری کشور در ادوار مختلف روی داده است کمک‌کننده باشد و به واسطه آن این امکان فراهم شود که تصمیماتی که ممکن است در حیطه فعالیت‌های مشابه رخ دهد قابل پیش‌بینی شود.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|------------------------------|------------------------------|
| 1. Craik | 2. Mental Image |
| 3. Cognitive Representations | 4. Cause Maps |
| 5. Value/Symbol Systems | 6. Cognitive Schemas |
| 7. Cognitive Trails | 8. illusion of control |
| 9. Self-regulation theory | 10. Confirmation-bias theory |
| 11. Confirmation-bias theory | 12. team situation model |
| 13. Dundon | 14. Johnson-Laird |
| 15. Norman | 16. Stumpf |
| 17. saturation | 18. Braun & Clarke |
| 19. Dundon | 20. Johnson-Laird |
| 21. Norman | 22. Stumpf |

منابع

- دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی؛ آذر، عادل (۱۳۹۳). *روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع*. تهران: انتشارات صفار.
- رحمان‌زاد، مهدی، (۲۰۰۹). *درآمدی بر روش‌شناسی تحقیق*. پژوهشکده باقرالعلوم (ع).
- رضوی زاده، ندا؛ آهنچیان، محمدرضا؛ رضامنش، فاطمه (۱۳۸۳). درک تجربه خیرین مدرسه‌ساز. *دوفصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۷-۳۴.
- فائز دین‌پرستی، صالح (۱۳۹۵). تحلیل کنش‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی از منظر سیاست‌های عمومی دولت. *فصلنامه دولت پژوهی*، 2(8), 1-58.
- فقیهی، ابوالحسن؛ آغاز، عسل (۱۳۹۵). *روش‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کمی و کیفی*. جلد دوم. تهران: انتشارات ترمه.
- فیاضی، بی بی مرجان و حق شناس، محمد. (۱۳۹۶). شناسایی راهبردهای توانمندسازی نمایندگان مجلس ایران. *فصلنامه مدیریت دولتی*، مقاله ۱، دوره ۹، شماره ۱، صفحه ۱ تا صفحه ۳۴.
- عباسی عباس و حکیمی، سجاد. (۱۳۹۳). ماهیت نمایندگی مجلس در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مجلس و راهبرد*. تابستان ۱۳۹۳، دوره ۱۹، شماره ۲ (پیاپی ۷۲).
- هریسی نژاد، کمال‌الدین (۱۳۸۰). نظری بر ابعاد حقوقی انتخابات و راه‌های توسعه آن. *نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز*. پاییز و زمستان ۱۳۸۰، دوره ۴۴، شماره ۱۸۱-۱۸۰؛ از صفحه ۲۳۷ تا صفحه ۲۶۴.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۹۵). *شناخت روش علمی در علوم رفتاری*. تهران: انتشارات سمت.
- Armenia, S., Franco, E. F., Mecella, M., & Onori, R. (2017). Smart Model-based Governance: from Big-Data to future Policy Making. *BSLab-SYDIC International Workshop- Roma*, 44-55
- Ayal, S., Rusou, Z., Zakay, D., & Hochman, G. (2015). Determinants of judgment and decision making quality: the interplay between information processing style and situational factors. *Frontiers in psychology*, 6, 1088.
- Bagdasarov, Z., Johnson, J. F., MacDougall, A. E., Steele, L. M., Connelly, S., & Mumford, M. D. (2016). Mental models and ethical decision making: The mediating role of sensemaking. *Journal of business ethics*, 138(1), 133-144.
- Beratan, K. (2007). A cognition-based view of decision processes in complex social-ecological systems. *Ecology and Society*, 12(1).
- Bougon, M. Weick, K. & Binkhorst, D. (1977). Cognition in organizations: An analysis of the Utrecht Jazz Orchestra. *Administrative Science Quarterly*, 606-639.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Chandler, A. D. (1990). *Strategy and structure: Chapters in the history of the industrial enterprise* (Vol. 120). MIT press.
- Chermack, T. J. (2003). Mental models in decision making and implications for human resource development. *Advances in developing human resources*, 5(4), 408-422.
- Coghill, K. Donohue, R. Holland, P. Richardson, A. & Neesham, C. (2009). Capacity building for new parliamentarians: survey of orientation and induction

- programmes. *The Journal of Legislative Studies*, 15(4), 521-534.
- Collins, A. & Gentner, D. (1987). How people construct mental models. *Cultural models in language and thought*, 243.
- Cooke, N. J. Salas, E. Cannon-Bowers, J. A. & Stout, R. J. (2000). Measuring team knowledge. *Human Factors*, 42(1), 151-173.
- Davison, G. & Blackman, D. (2005). The role of mental models in innovative teams. *European journal of innovation management*, 8(4), 409-423.
- Day, D. V. & Lord, R. G. (1992). Expertise and problem categorization: the role of expert processing in organizational sense-making. *Journal of Management Studies*, 29(1), 35-47.
- Denzau, A. T. & North, D. C. (1994). Shared mental models: ideologies and institutions. *Kyklos*, 47(1), 3-31.
- Denzau, A. T. & North, D. C. (1994). Shared mental models: ideologies and institutions. *Kyklos*, 47(1), 3-31.
- Donohue, R. & Holland, P. (2012). Building parliamentary human capital. *Parliamentary Affairs*, 65(3), 529-540.
- Downs, R. M. & Stea, D. (Eds.). (1973). *Image and environment: Cognitive mapping and spatial behavior*. Transaction Publishers.
- Drejer, A. Olesen, F. & Strandskov, J. (2005). Strategic scanning in a new competitive landscape: towards a learning approach. *International journal of innovation and learning*, 2(1), 47-64.
- Dundon, E. (2005). Innovation triangle. *Leadership Excellence*, 22(3), 16.
- Fenton-O'Creevy, M. Nicholson, N. Soane, E. & Willman, P. (2003). Trading on illusions: Unrealistic perceptions of control and trading performance. *Journal of Occupational and Organizational Psychology*, 76(1), 53-68.
- Fiske, S. T. & Taylor, S. E. (1991). Social cognition, 2nd. NY: McGraw-Hill, 16-15.
- Forrester, J. W. (1971). Counterintuitive behavior of social systems. *Technological Forecasting and Social Change*, 3, 1-22.
- Garnham, A. (2013). *Mental models in cognitive science: Essays in honour of Phil Johnson-Laird*. Psychology Press.
- Gentner, D & Stevens, AL. (1983), *Mental models, Cognitive Science*, Lawrence Erlbaum Associates, London.
- Gilovich, T. Griffin, D. & Kahneman, D. (Eds.). (2002). *Heuristics and biases: The psychology of intuitive judgment*. Cambridge university press.
- Guilera Agüera, L., & Tubau i Sala, E. (2003). *Vías de acceso conceptual en la resolución de problemas*. Universitat Autònoma de Barcelona,.
- Hambrick, D. C. & Mason, P. A. (1984). Upper echelons: The organization as a reflection of its top managers. *Academy of management review*, 9(2), 193-206.
- Hazell, R. (2001). The challenges facing our Parliaments: how can we improve their performance?[Article based upon lectures given at the Parliament Houses in Canberra, Sydney and Wellington in March and April 2001]. *Australasian Parliamentary Review*, 16(2), 5.
- Hodgkinson, G. P. Maule, A. J. & Bown, N. J. (2004). Causal cognitive mapping in the organizational strategy field: a comparison of alternative elicitation procedures. *Organizational Research Methods*, 7(1), 3-26.

- Hsee, C. K. Yang, Y. Zheng, X. & Wang, H. (2015). Lay rationalism: Individual differences in using reason versus feelings to guide decisions. *Journal of Marketing Research*, 52(1), 134-146.
- Hulbert, J. M. (2005). *Strategic management: creating value in a turbulent world*. John Wiley & Sons.
- Ireland, R. D. Hitt, M. A. Bettis, R. A. Porras, D. & Auld, D. (1987). Strategy formulation processes: Differences in perceptions of strength and weaknesses indicators and environmental uncertainty by managerial level. *Strategic Management Journal*, 8(5), 469-485.
- Jacobs, C. D. & Heracleous, L. T. (2005). Answers for questions to come: reflective dialogue as an enabler of strategic innovation. *Journal of Organizational change management*, 18(4), 338-352.
- Janežič, M., Dimovski, V., & Hodošček, M. (2018). Modeling a learning organization using a molecular network framework. *Computers & Education*, 118, 56-69.
- Johnson-Laird, P.N. (1983). 'Thinking as a skill', in JSBT Evans (ed.), *Thinking and reasoning: Psychological approaches*, Routledge & Kegan Paul, London, 164 -96.
- Jones, N. Ross, H. Lynam, T. Perez, P. & Leitch, A. (2011). Mental models: an interdisciplinary synthesis of theory and methods. *Ecology and Society*, 16(1).
- Kahneman, D., & Tversky, A. (2013). Choices, values, and frames. In *Handbook of the Fundamentals of Financial Decision Making: Part I* (pp. 269-278).
- King, N. & Horrocks, C. (2010). *Interviews in qualitative research*. Sage.
- Klayman, J. & Ha, Y. W. (1989). Hypothesis testing in rule discovery: Strategy, structure, and content. *Journal of Experimental Psychology: Learning, Memory, and Cognition*, 15(4), 596.
- Knight, D. Pearce, C. L. Smith, K. G. Olian, J. D. Sims, H. P. Smith, K. A., & Flood, P. (1999). Top management team diversity, group process, and strategic consensus. *Strategic Management Journal*, 445-465.
- Langan-Fox, J. Wirth, A. Code, S. Langfield-Smith, K. & Wirth, A. (2001). Analyzing shared and team mental models. *International journal of industrial ergonomics*, 28(2), 99-112.
- Langer, E.J. (1975). The illusion of control. *J. Pers. Soc. Psychol.* 32, 311-328.
- Langfield-Smith, K. & Lewis, G. (1989). *Mapping cognitive structures: A pilot study to develop a research method*. University of Melbourne, Graduate School of Management.
- Lawrence PR, Lorsch JW. (1967). *Organization and Environment*. Harvard Business School Press: Boston, MA.
- Lewis, A. P. C. (2016). Compulsory Professional Development for Members of Parliament. In *Parliamentarians' Professional Development* (pp. 101-119). Springer International Publishing.
- Markides, C. (1997). Strategic innovation. *Sloan management review*, 38(3).
- Mathieu, J. E. Heffner, T. S. Goodwin, G. F. Salas, E. & Cannon-Bowers, J. A. (2000). The influence of shared mental models on team process and performance. *Journal of applied psychology*, 85(2), 273.
- Mathieu, J. E. Heffner, T. S. Goodwin, G. F. Salas, E. & Cannon-Bowers, J. A. (2000). The influence of shared mental models on team process and performance.

- Journal of applied psychology*, 85(2), 273.
- Menon, A. R., & Yao, D. A. (2017). *Rationalizing outcomes: Mental-model-guided learning in competitive markets*. Harvard Business School.
- Miller, D. (1984). *Organizations: A quantum view*. Prentice Hall.
- Mintzberg, H. (1994). The fall and rise of strategic planning. *Harvard business review*, 72(1), 107-114.
- Moon, B. J. (2013). Antecedents and outcomes of strategic thinking. *Journal of Business Research*, 66(10), 1698-1708.
- Moray, N. (1997). Models of models of... mental models. *Perspectives on the human controller*, 271-285.
- Norman, D. A. (1983). Some observations on mental models. *Mental models*, 7(112), 7-14.
- Pant, P. N. & Lachman, R. (1998). Value incongruity and strategic choice. *Journal of management studies*, 35(2), 195-212.
- Pellegrino, K. C. & Carbo, J. A. (2001). Behind the mind of the strategist. *The TQM magazine*, 13(6), 375-381.
- Pfister, H. R. Jungermann, H. & Fischer, K. (2017). Unsicherheit. In *Die Psychologie der Entscheidung* (pp. 115-167). Springer Berlin Heidelberg.
- Pocock, D. C. D. (1973). Environmental Perception Process and Product. *Tijdschrift voor economische en sociale geografie*, 64(4), 251-752.
- Revell, K. M., & Stanton, N. A. (2018). Mental model interface design: putting users in control of home heating. *Building Research & Information*, 46(3), 251-271.
- Rouse, W. B. & Morris, N. M. (1986). On looking into the black box: Prospects and limits in the search for mental models. *Psychological bulletin*, 100(3), 349.
- Ruona, W. E. & Lynham, S. A. (2004). A philosophical framework for thought and practice in human resource development. *Human Resource Development International*, 7(2), 151-164.
- Senge, P. M. Roberts, C. Ross, R. B. Smith, B. J. & Kleiner, A. (1994). *The fifth discipline field book: Strategies for building a learning organization*, New York, NY: Currency.
- Senge, PM. (1990), *The fifth discipline*, Random House Australia Pty Ltd, Adelaide, NSW.
- Smircich, L. & Stubbart, C. (1985). Strategic management in an enacted world. *Academy of management Review*, 10(4), 724-736.
- Smith, W. K. (2014). Dynamic decision making: A model of senior leaders managing strategic paradoxes. *Academy of Management Journal*, 57(6), 1592-1623.
- Stephens-Warren, G. Howat, D. & Hume, I. (2011). Strategic thinking and decision making: literature review. *Journal of Strategy and Management*, 4(3), 238-250.
- Sterman, J. D. (2001). System dynamics modeling: tools for learning in a complex world. *California management review*, 43(4), 8-25.
- Stout, R. J. Cannon-Bowers, J. A. Salas, E. & Milanovich, D. M. (1999). Planning, shared mental models, and coordinated performance: An empirical link is established. *Human Factors*, 41(1), 61-71.

- Stumpf, S. A. (1989). Work Experiences that Stretch Managers' Capacities for Strategic Thinking. *Journal of Management Development*, 8(5), 31-39.
- Tsoukas, H. (2017). Don't simplify, complexify: from disjunctive to conjunctive theorizing in organization and management studies. *Journal of Management Studies*, 54(2), 132-153.
- Walsh, J. P. (1995). Managerial and organizational cognition: Notes from a trip down memory lane. *Organization science*, 6(3), 280-321.
- Weick, K. E. & Huff, A. S. (1990). Mapping strategic thought. Introduction: Cartographic Myths in Organizations. Chichester: John Wiley.
- White, J. (2014). Politicizing Europe: The challenge of executive discretion. *Democratic politics in a European Union under stress*, 87-102.
- Xiang, C. Yang, Z. & Zhang, L. (2016). Improving IS development teams' performance during requirement analysis in project—The perspectives from shared mental model and emotional intelligence. *International Journal of Project Management*, 34(7), 1266-1279.
- Yang, H. D. Kang, H. R. & Mason, R. M. (2008). An exploratory study on meta skills in software development teams: Antecedent cooperation skills and personality for shared mental models. *European Journal of Information Systems*, 17(1), 47-61.

Identifying the dimensions of mental models of strategic decision makers: A study of Iranian MPs

Mohammad Haghshenas Gorgabi

Ali Heidari

Mohammad Ali Shah Hoseyni

Abstract

This paper, by examining the trends and events in the Ninth Parliament, seeks to explore the dimensions and components of mental models of MPs that affect the decisions and behavior of parliamentarians. Participants of this study were forty parliament representatives who had served in the Ninth Parliament, and played a significant role in enactment of forty major legislative bills. We collected data by semi-structured interviews and used thematic analysis for its interpretation. The analysis of interviews led to the discovery of four fundamental dimensions of MPs mental models that dominate their decisions and behavior at the Parliament. These include: MPs beliefs and values, attentiveness to principles of sovereignty, their past experiences and individual worldviews, each of which has several components that in general, makes up the MPs mental framework at work.

Keyword: mental models, parliamentarians, decision-makers, strategic thinking of parliamentarians.